

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۳

## بررسی رویکرد حمایتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به مستضعفین جهان

۷۱

فصلنامه مطالعات عرفی

دولت اسلامی

محمد جواد جاوید<sup>۱\*</sup>

امیر حسین اصل زعیم<sup>۲</sup>

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

### چکیده

اصل یکصد و پنجاه و چهارم قانون اساسی به سیاست حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال مستضعفین جهان به منظور گسترش حق و عدالت و تمهید شرایط سعادت انسان در کل جامعه بشری در کنار پرهیز از مداخله در امور داخلی ملتها تصریح دارد. همچنین در اسناد و قوانین دیگری همچون اساسنامه نهادهای نظامی، فرهنگی و دانشگاهی این امر مورد تأکید قرار گرفته است و در عرصه عمل هم سیاست خارجی جمهوری اسلامی بیانگر پذیرش و تبعیت از این ایدئولوژی می‌باشد؛ اما در جامعه جهانی ایجاد شبهاتی مبتنی بر عدم امکان تفکیک مداخله از ورود با حسن نیت، وجود ارتباط بین منافع طرف داعیه‌دار مساعی و دولت مورد حمایت و نیز ایجاد خدشه در آزادی ملتها از طریق جهت‌دهی به ایشان و در نهایت تهدید نظم و امنیت این روند را دچار مشکل کرده است. در این نوشتار به بررسی این تعارضات پرداخته و به ارائه الگوی حمایتی مطابق با موازین دینی و بین‌المللی می‌پردازیم.

**واژگان کلیدی:** مستضعفین جهان، سیاست خارجی، اصل یک صد و پنجاه و چهارم.

محمد جواد جاوید، امیر حسین اصل زعیم  
بررسی رویکرد حمایتی قانون اساسی جمهوری اسلامی نسبت به مستضعفین جهان

## مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از مبانی و موازین دینی است و به همین جهت در اصول متعددی وحدت امت اسلامی و حمایت از مسلمانان در هر گوشه از جهان را مورد توجه قرار داده و آن را به عنوان یک وظیفه مهم و اساسی بیان نموده است. با توجه به اصول یادشده می توان نتیجه گرفت که از نظر قانون اساسی چون «همه مسلمانان یک امتند»، «دفاع از حقوق همه مسلمانان» و حمایت «از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان» یکی از معیارهای اسلام است و به ارتباط با ملت ها به جای دولت ها تکیه دارد (مشروح مذاکرات ق.ا، ۱۳۶۴، ص ۱۵۲۰) و به همین جهت یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می دهد. از سوی دیگر با توجه به بداهت و قطعیت اصل اسلامی اخوت مسلمانان و وحدت امت اسلامی و وجوب دفاع از حقوق همه مسلمانان می توان در این زمینه به اصل چهارم قانون اساسی که اصل مربوط به «حاکمیت دین» و در حقیقت مهمترین اصل قانون اساسی و مادر همه اصول می باشد استناد و استظهار نمود که هر گونه قانون گذاری که در تعارض با وحدت امت اسلامی و موجب بی تفاوتی نسبت به وضعیت مسلمانان باشد با روح حاکم بر قانون اساسی ما سازگاری نخواهد داشت؛ اما از جایی که ضوابط و عرف سیاسی نادرست در عرصه جهانی موانعی جدی بر سر راه تحقق چنین آرمان هایی ایجاد نموده است به بررسی ضرورت ها و همسویی اراده حاکم بر تصمیمات مجامع بین المللی علی رغم وجود موانع شکلی می پردازیم و در نهایت به رویکرد جمهوری اسلامی ایران که به عنوان داعیه دار اصلی این ایدئولوژی بوده و در عرصه نظر و عمل اقداماتی را تحقق بخشیده است، می پردازیم.

## فصل اول: ضرورت های حمایت از مستضعفین جهان

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سعادت و خوشبختی همه افراد بشر را آرمان خود دانسته و خود را موظف به حمایت از حقوق همه انسان‌ها خصوصا مسلمانان و مستضعفان جهان می‌داند (اصول ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۴، ۱۱ و ۳). حمایت از حقوق همه انسان‌ها خصوصا مظلومان و محرومان و مستضعفان، از دیدگاه اسلام وظیفه اساسی برای همه مسلمانان است. مسلمانان نمی‌توانند نسبت به سعادت و خوشبختی و حقوق انسان‌های دیگر بی‌تفاوت باشند؛ زیرا انسان دوستی و حمایت از اصول و ارزش‌های انسانی و تلاش در راه تحقق بخشیدن به آرمان‌های مشترک بشری و بالأخره حمایت از عدالت و آزادی و استقلال و صلح و امنیت، از آموزه‌های روشن و بدیهی اسلام است. (نیکزاد، ۱۳۸۳، ص ۳۲) پیام ارسال رسل و انزال کتب از جانب خداوند، چیزی جز اراده الهی برای رساندن جامعه بشری به خوشبختی و سعادت و هدایت و عدالت و اخلاق نیست<sup>۱</sup>. استاد شهید مطهری در لزوم حمایت از آزادی چنین بیان می‌دارد:

«اگر» آزادی در جایی مورد تهاجم قرار گرفت، اما نه آزادی من و نه آزادی ملت من، بلکه در یک گوشه از گوشه‌های دنیا، آزادی که جزء حقوق عمومی همه انسان‌هاست مورد تهاجم قرار گرفت آیا دفاع کردن از این حق انسانیت به عنوان «حق انسانیت» مشروع است یا نه؟ اگر مشروع است پس منحصر به آن فردی که آزادی او مورد تهاجم قرار گرفته نیست، افراد دیگر و ملت‌های دیگر نیز می‌توانند - بلکه باید - به کمک آزادی بشتابند و به جنگ سلب آزادی و اختناق بروند. گمان نمی‌کنم کسی تردید بکند که مقدس‌ترین اقسام جهادها و مقدس‌ترین اقسام جنگ‌ها جنگی است که به عنوان دفاع از حق انسانیت صورت گرفته باشد. در مدتی که الجزایری‌ها با استعمار فرانسه می‌جنگیدند یک عده

۱- «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ (حدید، ۲۵) یعنی ما پیامبران خود را با نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان (قوانین عادلانه)

افراد حتی از اروپایی‌ها در این جنگ شرکت می‌کردند، یا به صورت سرباز یا به صورت غیر سرباز، آیا از نظر شما فقط الجزایری‌ها جنگیدنشان مشروع بود چون حقوق خودشان مورد تجاوز قرار گرفته بود؟ پس بنابراین، فردی که از اقصی بلاد اروپا آمده به نفع این ملت وارد پیکار شده، او ظالم و متجاوز است و باید به او گفت فضولی موقوف! به تو چه مربوط است؟! کسی که به حقوق تو تجاوز نکرده تو چرا اینجا شرکت می‌کنی؟ یا او باید بگوید من از حق انسانیت دفاع می‌کنم و حتی جهاد چنین شخصی از جهاد آن الجزایری مقدس‌تر است چون او جنبه دفاع از خود دارد و عمل این اخلاقی‌تر است از عمل او و مقدس‌تر است از عمل او؟ مسلماً شق دوم صحیح است. آزادی خواهانی که یا حقیقتاً آزادی خواه هستند یا تظاهر می‌کنند به آزادی خواهی و احترامی کسب کرده‌اند در میان عموم، احترام خودشان را در میان توده مردم، مدیون همین حالت هستند که خودشان را مدافع حقوق انسانیت می‌شمارند نه مدافع حقوق فرد خودشان، یا ملت خودشان، یا قاره خودشان و احیاناً اگر آن‌ها از حدود زبان و قلم و نطق و خطابه و روشن کردن افکار بگذرند و بروند وارد میدان جنگ بشوند، مثلاً طرفدار حقوق فلسطینی‌ها یا بیت‌کنگ‌ما بشوند دنیا خیلی بیشتر آن‌ها را تقدیس می‌کند نه این که دنیا آن‌ها را مورد حمله و هجوم قرار بدهد که به تو چه این فضولی‌ها، اینها به تو چه مربوط است؟ کسی که به تو کاری ندارد. دنیا می‌گوید: جنگیدن هر وقت که به عنوان دفاع باشد مقدس است، اگر دفاع از خود باشد مقدس است و اگر دفاع از ملت باشد، مقدس‌تر است چون جنبه شخصی تبدیل می‌شود به جنبه ملی و گسترش پیدا می‌کند... اگر از حدود ملی به حدود انسانی برسد از آن هم یک درجه مقدس‌تر است. (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۴۰)

الف) آموزه‌های دینی: حمایت از همه مستضعفان جهان یک فریضه دینی

است اما حمایت از مسلمانان جهان، از دیدگاه اسلام دارای اهمیت و تأکید مضاعف است؛ زیرا مسلمانان جهان مشترکات بیشتری دارند و حمایت از مسلمانان مظلوم نه تنها حمایت از حق انسانیت است بلکه حمایت از عقیده و ایدئولوژی و آیین مشترک نیز می‌باشد. به همین دلیل بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های جغرافیایی، میان همه مسلمانان جهان، همدلی و همنوایی و همدردی و علاقه مشترک وجود دارد. همچون تمثیلی که پیامبر اکرم (ص) در بیان این مسئله فرموده‌اند: «حکایت مؤمنان در دوستی و مهربانی‌شان چون اعضای یک پیکر است. وقتی یکی‌شان رنجور شود دیگران به مراقبت و حمایت از او همداستان می‌شوند». (نهج‌الفصاحه، ۱۳۶۱)

ب) آیات قرآنی: قرآن کریم حمایت از مستضعفان جهان را وظیفه همه مسلمانان می‌داند و در آیات متعددی به حمایت از حقوق بشر اهتمام ورزیده است که به چند مورد آن اشاره می‌شود: «و مالکم لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه و المستضعفین من الرّجال و النّساء و الولدان الذّین یقولون ربّنا أخرجنا من هذه القریة الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنک ولیاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً» (نساء: ۷۵)؛ چرا در راه خدا و برای رهایی مردان و زنان و کودکانی که (به‌دست ستمگران تضعیف شده‌اند) پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد ستم‌دیده‌ای که می‌گویند: پروردگارا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستم‌گرند، بیرون ببر و از طرف خود برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما.

«أذن للذّین یقاتلون بأنهم ظلموا و أنّ اللّٰه علی نصرهم لقدیر، الذّین أخرجوا من دیارهم بغیر حقّ الاّ أن یقولوا ربّنا اللّٰه و لولا دفع اللّٰه النّاس بعضهم ببعض لهدّمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم اللّٰه کثیراً...» (حج: ۳۹ و ۴۰) به آنان که جنگ بر آنان تحمیل می‌شود رخصت نبرد و جهاد داده شد، زیرا به آن‌ها ستم شده و البته خداوند بر یاری آن‌ها کاملاً تواناست. آنان که از خانه‌ای خود به ناحق اخراج شدند و جرمی نداشتند جز آنکه می‌گفتند: پروردگارا ما

خدای یکتاست و اگر خداوند برخی از مردم را با برخی دیگر دفع نمی‌کرد البته دیرهای راهبان و کلیساهای ترسایان و کنشت‌های جهودان و مسجدهای مسلمانان که بسیاری از اوقات نام خدا در آنها ذکر می‌شود ویران می‌گردید. این آیه، علت اذن در جهاد را «مظلومیت» و مورد ظلم قرار گرفتن و اخراج از کاشانه و آواره ساختن مؤمنان از وطن خود از سوی ستمگران می‌داند. همچنین قرآن کریم در سوره مبارکه انبیاء مسلمانان را امت واحده معرفی می‌کند که خود وظایفی را بر عهده ایشان بار می‌کند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲) و (مؤمنون: ۵۲) یعنی این امت شما امت واحده است و من پروردگار شما هستم پس مرا بپرستید.

«ولمن انتصر بعد ظلمه فأولئك ما عليهم من سبيل، إنما السبيل على الَّذِينَ يظلمون النَّاسَ و يبغون في الأرض بغير حق...» (شوری: ۴۱ و ۴۲)؛ کسانی که بعد از آن که مورد ظلم قرار گرفتند، یاری بطلبند، ایرادی بر آنان نیست، ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق ظلم روا می‌دارند.

ج) روایات: در لسان روایات نیز حمایت از مظلومان یک وظیفه تردیدناپذیر دینی به حساب آمده است و تأکید زیادی بر آن شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم» (حر عاملی، ۱۳۹۷، ص ۵۹۰) یعنی کسی که ندای ندادنده‌ای را برای یاری‌خواهی بشنود و او را یاری ندهد مسلمان نیست. در وصیت امیرمؤمنان به حسنین علیهم‌السلام آمده است: «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً» یعنی همواره دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید. (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷). در روایتی دیگر پیامبر اکرم می‌فرماید: «من أصبح و لم یهتمّ بامور المسلمین فلیس بمسلم» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۴) یعنی هر آن کس که صبح برخیزد و در اندیشه کارهای مسلمانان

نباشد مسلمان نیست؛ و یا می‌فرماید: «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت» ( احسائی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۲۹) یعنی همگان مسئول همدیگرند. در روایات دیگری این خطاب شدیدتر و با صراحت بیشتری صورت گرفته است. در صحیح بخاری نیز از حضرت رسول (ص) روایت شده است که فرمودند: «همه مسلمانان برادر یکدیگرند، به همدیگر ظلم نمی‌کنند و در مقابل دشمنان یکدیگر را رها نمی‌کنند و به خود وا نمی‌گذارند»<sup>۱</sup> (فتح الباری، ۱۴۰۲ق: ۳۲۳). در مسند احمد بن حنبل نیز از آن حضرت روایت شده است که: «هر کس نزد او مؤمنی خوار شود ولی او را یاری نکند، در حالی که قادر بر نصرت او باشد، خداوند عز و جل، روز قیامت نزد تمام خلائق او را خوار خواهد نمود». (مسند، ۱۴۱۲ق: ص ۴۸۷). مؤلف فتح الباری در شرح حدیث نبوی در دفاع از مظلوم می‌نویسد: «کسی که قدرت بر نجات مظلوم دارد، بر او لازم است که به هر طریق ممکن ظلم را از او دفع کند و قصد او در دفاع، کشتن ظالم نیست بلکه مقصود، دفع ظالم است و در این صورت که دفاع می‌کند، خون ظالم هدر است و فرقی نمی‌کند که دفاع از خویش باشد یا از دیگری» (عسقلانی، ۱۴۰۲، ج ۱۲، ص ۳۲۴). علاوه بر این موارد سنت عملی رسول خدا صلی الله علیه وآله در انعقاد پیمان‌های دفاعی به‌عنوان یاری مظلومان آن‌چنان که در «حلف الفضول» صورت گرفت (زحیلی، ۱۹۹۲، ص ۷۷) و یا به‌عنوان «اعلام همبستگی و حمایت متقابل» آن‌چنان که در پیمان با «بنی ضمره» (هیکل، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۷۰۳) و «خزاعه» انجام شد، گواه این امر است. در پیمان جوانمردان (حلف الفضول) افراد شرکت‌کننده، از جمله حضرت رسول صلی الله علیه وآله سوگند یادکردند که ید واحده با مظلوم و علیه ظالم باشند تا آنکه ظالم حق مظلوم را بپردازد و این پیمان مادامی که دریاکنار ساحل خود را مرطوب کند (یعنی برای همیشه تاریخ) استوار

است<sup>۱</sup>. (هیگل، ۱۴۱۷، ص ۷۱۹). در اظهار نظرهای فقها و اندیشمندان شیعه و سنی هم اگرچه تعبیر متفاوتی دیده می‌شود اما ادعای اتفاق و عدم اختلاف در اصل حکم مزبور نموده‌اند<sup>۲</sup>.

د) اصول بنیادین حقوق بشری: در حقوق بین‌الملل معاصر، حقوق بشر از حقوق بنیادین و غیرقابل انتقال تلقی شده که زیستن به‌عنوان نوع بشر بر پایه آن‌ها استوار است. (Rebecca & Sweet, 1997, p.277) گرچه اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها، نه تنها در منشور ملل متحد به رسمیت شناخته شده است، بلکه «بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی بوده و مبنای تأسیس آن، احترام به حاکمیت سرزمینی دولت هاست». (Shaw, 2003, p.679) اما حد حاکمیت دولت‌ها تا چه میزانی است؟ چون اگر چه گاهی اوقات، جهان‌شمولی حقوق بشر مورد نقد و چالش قرار گرفته است، اما این اصل که حقوق بشر باید مورد دفاع قرار گیرد، در دوران ما یک اصل مسلم و بدیهی است و به‌عنوان یک ارزش پذیرفته شده است و هیچ کس عملاً به اصل دفاع از حقوق بشر اعتراض نمی‌کند. (حسینی، ۱۳۸۰) حال آیا هنوز هم نحوه رفتار دولت‌ها با اتباعشان، مانند آنچه که

۱- «تعاقدوا» و تعاهدوا بالله لیكونن یبدأ واحدة مع المظلوم علی الظالم حتی یؤدی الیه حقه ما بل بحر صوفه (ابن هشام، ج ۱، ص ۱۴۰) ایراد برخی از نویسندگان مانند «محمد حسنین هیگل» به استدلال به این پیمان مبنی بر این که «این یک پیمان خاصی بود مربوط به روابط داخلی بین مردم و ربطی به روابط خارجی که بر اساس شرع تنظیم می‌شود ندارد» (هیگل، ۱۴۱۷، ق: ۷۲۱-۷۲۲)، وارد نیست؛ زیرا همان‌گونه که اشاره شد، روح حاکم بر این پیمان، دفاع از مظلوم بود که پس از بعثت نیز جزو دستورات و جهت‌گیری‌های اسلامی در امور سیاسی و اجتماعی تثبیت شد. (ابن هشام، ج ۱، ص ۱۴۰) قال رسول الله (صلی‌الله علیه وآله): «و ماکان من حلف فی الجاهلیه فان الاسلام لم یزده الا شدة». / ص ۱۴۲ همچنان که پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه وآله) اشاره فرمودند، گرچه این پیمان بیست سال قبل از بعثت منعقد شد، ولی اگر بعد از بعثت نیز آن حضرت را به آن پیمان دعوت می‌کردند، آن حضرت اجابت می‌فرمودند.

- آیه الله شیخ محمد مهدی شمس الدین: «از مسلمات دینی، حرمت بی‌مبالاتی به تجاوز کفار بر مسلمین و احساس بی‌تفاوتی در این مسئله است.» (شمس الدین، ۱۹۹۷م، ص ۳۳۶) ۲- «دکتر صبحی محمصانی» در ضمن شمارش موارد جهاد دفاعی، یکی از اقسام آن را دفع تجاوز متجاوزان و ستمگران و کسانی که مسلمانان را از خانه‌هایشان آواره ساخته و از وطنشان اخراج کرده‌اند، آن گونه که برای امت فلسطین در قرن بیستم پیش آمد، دانسته و می‌افزاید: «جهاد در این وضعیت نه تنها جایز و مشروع است، بلکه از واجب‌ترین فرایض دینی و ملی و اجتماعی است و از مقومات و استوانه‌های کرامت و احترام وطن و ساکنان در آن است.» (صبحی محمصانی، ۱۳۹۲، ق، ص ۱۹۳) ۳- «عمر احمد الفرجانی»: «اسلام قلمرو مکانی خاصی را برای دفاع از مظلوم معین نکرده است، هر جا که ظلمی رخ بدهد، حتی در داخل کشورهای غیر اسلامی، جهاد برای رفع ظلم از مسلمین یا غیر مسلمین، مشروع است.» (به نقل از: هیگل، پیشین، ص ۵۹۱)



در دوره قبل از جنگ جهانی اول تصور می‌شد، یک موضوع واقع در صلاحیت داخلی دولت‌هاست (میرزایی ینگجه، ۱۳۷۳، ص ۶۵) که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی حتی سازمان ملل متحد از مداخله در آن منع شده باشند، یا آن که در اثر توسعه حقوق بشر، این صلاحیت محدود شده است و اگر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی در مواردی مجاز به مداخله باشند، این امر تا چه حدودی جایز است؟ همان‌گونه که صلح و امنیت بین‌المللی، اصلی ضروری در زندگی مشترک ملت‌ها به شمار می‌رود، باید عوامل زمینه‌ساز صلح و امنیت از طرف تمامی ملت‌ها مورد حمایت قرار گیرد و اگر به اسارت کشیدن و ستم بر آن‌ها صلح و امنیت را به مخاطره می‌افکند، باید همگی در ریشه‌کن نمودن سلطه و ستم همیاری نمایند. ثمره عقلی این سخن این است که مبارزات حق‌طلبانه ملت‌های ستمدیده و جنبش‌های رهایی‌بخش ملت‌های مستضعف، حقی است مسلم و غیرقابل سلب از ایشان و حمایت از ملت‌های تحت ستم و محروم در استیفای این حق، مسؤولیتی است بین‌المللی و هدف همه این اقدامات چیزی جز پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی مبتنی بر عدالت نیست. از این رو باید گفت که حمایت بین‌المللی از ملت‌های محروم و در حال مبارزه نمی‌تواند در حد یک توصیه و یا اعلامیه بشردوستانه تلقی شود، بلکه باید آن را در سطح یک قاعده حقوقی و قانون الزام‌آور در مقیاس بین‌المللی تلقی نمود. از این رو عقل و منطق حکم می‌کند حمایت بین‌المللی از مبارزات حق‌طلبانه جنبش‌های رهایی‌بخش به‌عنوان یک اصل اجتناب‌ناپذیر در روابط بین‌الملل و به شکل یک قاعده حقوقی بین‌المللی درآید و جزئی از حقوق اساسی ملت‌ها شمرده شود. (عمید زنجانی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۴۸)

حال آیا می‌توان به منظور حمایت از حقوق بشر به زور و عملیات نظامی متوسل شد؟ «منشور هر چند که فهرستی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را

ارائه نمی دهد، ولی به گفته پرفسور تونکین<sup>۱</sup> اصل احترام به حقوق اساسی بشر در حقوق بین الملل را که محدودیت هایی بر دولت ها تحمیل می کند مدنظر قرار می دهد» (مسائلی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۷). به تعبیری با در نظر داشتن اهمیت فزاینده حقوق بشر، هر گاه یک نظام سیاسی دیکتاتوری و خفقانزا بر مردمی مسلط شد و حقوق آنان را نادیده گرفت، آیا می توان به منظور حمایت از حقوق بشر و کمک به آن مردم تحت ستم و خفقان، به عنوان مداخله بشردوستانه<sup>۲</sup> با حمله مسلحانه و عملیات نظامی اقدام نمود؟ چون حقوق بشر از یک جهت به دو قسم حقوق فردی (از قبیل: حق حیات، حق امنیت و آزادی و...) و حقوق جمعی (مانند حق تعیین سرنوشت - که عمدتاً مورد مطالبه گروه های مبارز و نهضت های آزادی بخش است) تقسیم می شود، (حسینی، ۱۳۸۰، ص ۸۵) در پاسخ به این سؤال باید قائل به تفصیل شد:

۱- مداخله بشردوستانه در قالب حمایت از حقوق فردی که با توجه به هدف آن، خود بر دو گونه است: یا متوجه ساختار حکومتی و به منظور اعاده دموکراسی است، نظیر آنچه که در ماجرای مداخله آمریکا در پاناما در دسامبر ۱۹۸۹ عنوان شد و یا متوجه نجات اشخاص و حفظ و دفاع از حقوق اساسی شهروندان می باشد. (Shaw, 2003, p.803) پرفسور لاترپاخت معتقد است: «وظیفه عدم مداخله، فقط نسبت به دولت هایی است که مشروعیت دارند، ولی نسبت به دولت های نامشروع تعهدی وجود ندارد». (Walzer, 1997, p.368) و پرفسور داماتو با تأکید بیش تری می گوید: «هر جایی که یک حکومت مستبد برقرار باشد، جامعه بین المللی باید پاسخ مناسب را ارائه کند و اگر نیاز باشد این پاسخ با توسل به زور باشد»<sup>۳</sup> (Amato, 1999, p.180) بر اساس ماده ۳۹ و سایر مواد فصل هفتم

1-G. Tunkin

2-Humanitarian Intervention

۳- پرفسور شاختر خاطر نشان می سازد: «نه قطعنامه های سازمان ملل متحد از حق یک دولت برای مداخله در زمینه های بشردوستانه با اعزام گروه های مسلح به کشور دیگر که درخواست چنین مداخله ای ننموده است، پشتیبانی کرده و نه شاهدهی وجود دارد که رویه دولت ها و نظریه «رایج حقوقی» (Opinio Juris) از استثنا مداخله بشر دوستانه از

منشور ملل متحد، هرگاه نقض فاحش حقوق اساسی بشر به حدی باشد که تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به شمار آید، شورای امنیت می‌تواند برای اتخاذ اقدامات لازم تصمیم‌گیری کند. بنابراین، اگر چه مسائل داخلی دولت‌ها طبق بند ۷ ماده ۲ منشور، از شمول صلاحیت سازمان ملل متحد خارج است، لکن طبق منشور، تصمیمات شورای امنیت براساس فصل هفتم، استثناء بر آن می‌باشد. (کرمی، ۱۳۷۵، ص ۱۵) بدین طریق، بین مداخله بشردوستانه یک جانبه از سوی دولت‌ها که عمدتاً اهداف سیاسی دیگری غیر از انگیزه‌های انسان دوستانه را تعقیب می‌کنند و مداخله بشردوستانه از سوی سازمان ملل متحد یا با مجوز آن سازمان، تمایز حاصل می‌گردد.

۲- اما مداخله بشردوستانه در قالب حقوق جمعی، عمدتاً حول محور حمایت از حق تعیین سرنوشت ملت‌ها دور می‌زند؛ زیرا این اصل که به معنای «حق ملت‌ها در انتخاب ساختار حکومتی و نهادهای حقوقی و سیاسی خود در جامعه بین‌المللی می‌باشد»، (Bledsoe, 1987, p.54) از مبنایی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل است که بسیاری اصول دیگر از آن ریشه می‌گیرند. (اکبری، ۱۳۷۸، ص ۲۴۸) بنیان این اصل همان چیزی است که در بند ۳ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده مردم است». به‌رحال آیا مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر به‌منظور حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و در راستای عینیت بخشیدن به حق تعیین سرنوشت، بر اساس موازین حقوق بین‌الملل مشروع است یا خیر؟ علیرغم تقسیم‌بندی گروه‌های مخالف در حقوق بین‌الملل به مبارزان مشروع (همان افراد نهضت‌های

ممنوعیت کلی توسل به زور حمایت نموده باشد.) (Brownlie, Op. Cit. p.207) تأکید بر این نکته نیز ضروری است که تفسیر مضیق از بند ۴ ماده ۲ منشور و یا گسترش هرگونه توسل به زور در خارج از چارچوب دفاع مشروع و اقدام یک جانبه سازمان ملل متحد مندرج در ماده ۵۱ و فصل هفتم منشور، نادرست است. (Ibid, and Shaw, p.802) برخی از علمای حقوق بین‌الملل از جمله پرفسور باوت و داماتو نیز از مداخله چندجانبه به‌ویژه از سوی سازمان ملل متحد حمایت کرده‌اند. (Anthony D' Amato, Op. Cit, p.184) آریسنس. (Arinson) نیز مداخله بشردوستانه بدون استفاده از نیروی نظامی را در صلاحیت دولت‌ها و دریای آزادمان غیردولتی و مداخله بشردوستانه با توسل به زور را در اختیار شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌داند. (Nancy Arinson, 1993, 201)

آزادی‌بخش) و مبارزان نامشروع (یاغیان و شورشیان و نهضت‌های شورشی) و به رسمیت شناختن دسته اول و مشروعیت کمک دولت‌های خارجی به آنان، توسل به زور به منظور حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و دفاع از حق تعیین سرنوشت مشروع قلمداد نمی‌شود. گرچه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با قطعنامه‌های متعددی در جهت مشروعیت بخشیدن و ارائه همه‌گونه کمک‌های مادی و معنوی به این نهضت‌ها، تلاش نموده است، ولی به دلیل مخالفت کشورهای غربی و نیز غیر الزام‌آور بودن این قطعنامه‌ها تجویز مداخله نظامی انفرادی دولت‌ها در سایر کشورهای درگیر با نهضت‌های آزادی‌بخش غیرممکن شده است. (حسینی، ۱۳۸۰، ص ۸۵)

ه) مقتضیات عقلی و منافع ملی: در باب ضرورت‌های عقلی و دیگر مناسبات حمایت از مستضعفین جهان به ذکر مواردی می‌پردازیم:

۱- همه مسلمانان، امت واحد به حساب می‌آیند و در این صورت، هرگونه ستمگری به هر کشور اسلامی یا جمعیت مسلمانان، ستم به همه آنان محسوب شده، دفاع از آنان دفاع از خود قلمداد شده و به حکم عقل واجب می‌گردد. از این رو، برخی از فقها و جوب جهاد دفاعی در مقابل هجوم کفار و صهیونیست‌ها بر کشورهای اسلامی و کشتار مردان و زنان و استیلا بر اموال و هتک نوامیس و تخریب معابد و مساجد و نیز مبارزه با تسلط آنان بر کشورهای اسلامی و شئون و فرهنگ و اقتصاد مسلمانان را یک ضرورت عقلی و شرعی می‌دانند. (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴)

۲- دفاع از مظلوم، یکی از آموزه‌های فطری است که هر عقل سلیمی آن را تأیید می‌کند. به عبارتی، دفاع از مظلوم و دشمنی با ستمگران و متجاوزان از بارزترین پسندیده‌های عقلی است که همواره در باب حسن و قبح عقلی بدان استناد می‌کنند و اصول بنیادین حقوق بشری نیز بر آن تأکید دارند.

۳- منافع ملی یک کشور فقط در مرزهای جغرافیایی آن محدود نمی‌شوند. از این‌رو، دولت‌ها به میزان هزینه‌هایی که در کشورهای دیگر مبذول می‌دارند، از توان و قدرت تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بیش‌تری نیز در آینده آن کشور و معادلات منطقه‌ای برخوردار می‌باشند. اصولاً بخشی از امنیت ملی هر کشوری در خارج از مرزهای آن کشورها تأمین می‌شود. منافع ملی کشورها مهم‌ترین پارادایم برای تصمیم‌گیری است. از این‌رو، «ملت‌هایی که منفعت ملی خود را نشاناسند، خطر نابودی خودشان را به وجود می‌آورند. ملت‌ها همانند انسان‌ها با درست نشناختن منافع ملی خود می‌توانند خودکشی کنند»؛ (هونتزینگر، ۱۳۶۸، ص ۱۹۲) چرا که سیاست در سطح جهان یعنی بررسی تلاقی یا تزامن منافع ملی کشورها در موضوعات مختلف. (سریع‌القلم، ۱۳۷۶، ص ۲۳۷) همچنین تعارضات بین‌المللی به‌عنوان بازتاب برخورد و تصادم منافع ملی بازیگران مختلف بین‌المللی است و این منافع حیاتی‌ترین نیازهای یک دولت را شامل می‌شود که در برگیرنده حفظ و بقا و استقلال و تمامیت ارضی، امنیت و رفاه اقتصادی است. (قوام، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱) به نظر می‌رسد امنیت ملی و منافع ملی ما با همه مسلمانان، گره خورده است. از این‌رو، حمایت‌های اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی در حد توان از ملت‌های دیگر و به‌ویژه مسلمانان، در جهت تأمین منافع ملی ایران به حساب می‌آید.

### فصل دوم: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

پایه‌ریزی سیاست خارجی نظام اسلامی ایران را باید در خطابه‌های امام خمینی<sup>۲</sup>، بنیانگذار این نهضت اسلامی، در سال‌های انقلاب و به‌ویژه در هنگامه سقوط نظام شاهنشاهی دنبال کرد. ایشان در آن دوران، بر معیارهایی تکیه نمودند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی تجلی پیدا کرد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس «...»

دفاع از حقوق همه مسلمانان... استوار است». (اصل ۱۵۲ قانون اساسی) و «در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». (اصل ۱۵۴ قانون اساسی) چنین حمایت‌هایی هرچند از سوی برخی دولت‌ها به‌عنوان دخالت در امور داخلی آنان قلمداد گردد، سلب مسئولیت از دولت اسلامی نخواهد نمود و سیاست تشنج‌زدایی در روابط خارجی تنها با همین ملاحظات، مبنای کار قرار خواهد گرفت. طبق اصول مزبور، خطوط کلی سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌توان این‌گونه برشمرد: نفی سلطه‌جویی، نفی سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه، ممنوعیت قراردادهایی که باعث سلطه بیگانه بر کشور می‌گردد، آرمان دانستن سعادت انسان در کل جامعه بشری، به رسمیت شناختن استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل به‌عنوان حقوق همه مردم جهان، خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملل دیگر، حمایت از مبارزات حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در همه جهان، دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان و ... اندیشه «امت اسلامی» با مبنای قرآنی «أَنْ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (انبیاء: ۹۲) به دنبال گسترش روابط بین‌المللی با دیگر نهضت‌های اسلامی و مردمی است و می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملت‌های محروم در جهان قوام یابد. به حکم این آیه همه مسلمانان یک امت‌اند (جوان آراسته، ۱۳۷۹، ص ۱۶۵) و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و تلاشی پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد (اصل ۱۱ قانون اساسی). همچنین حمایت از مبارزات حق طلبانه ملت‌های تحت ستم و نجات آنان از اهداف انبیای الهی است. قرآن کریم پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را این‌گونه

معرفی می‌کند: «لِيَضَعَ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْإِغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷)؛ از دوش آنان قید و بندهایی را که برایشان بوده است بر می‌دارد. از مهم‌ترین قید و بندها، وجود قدرت‌های ستمگر است که باید نفی گردند و در اصل ۱۵۴ قانون اساسی، بر این امر تأکید شده است. (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۷۰) استاد شهید مطهری رحمه الله عليه نیز در این زمینه می‌فرماید: «هرگاه گروهی با ما نخواهد بجنگد ولی مرتکب یک ظلم فاحش نسبت به یک عده افراد انسان ها شده است و ما قدرت داریم آن انسان‌های دیگر را که تحت تجاوز قرار گرفته‌اند نجات دهیم، اگر نجات ندهیم در واقع به ظلم این ظالم نسبت به آن مظلوم کمک کرده ایم. ما در جایی که هستیم، کسی به ما تجاوزی نکرده، ولی یک عده از مردم دیگر که ممکن است مسلمان باشند و ممکن است مسلمان هم نباشند، اگر مسلمان باشند مثل جریان فلسطینی‌ها که اسراییلی‌ها آن‌ها را از خانه‌هایشان آواره کرده‌اند، اموالشان را برده‌اند، انواع ظلم‌ها را نسبت به آن‌ها مرتکب شده‌اند ولی فعلاً به ما کاری ندارند، آیا برای ما جایز است که به کمک این مظلوم‌های مسلمان بشتابیم برای نجات دادن آن‌ها؟ بله این هم جایز است، بلکه واجب است، این هم یک امر ابتدایی نیست. این هم به کمک مظلوم شتافتن است، برای نجات دادن از دست ظلم به خصوص که آن مظلوم مسلمان باشد». (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۹)

همچنین بر اساس اصل سوم قانون اساسی که مشتمل بر ۱۶ بند است و به بیان سیاست‌های مختلف دولت می‌پردازد با توجه به آخرین بند این اصل، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده است همه امکانات خود را برای «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» به‌کار گیرد. ایران اسلامی در سیاست خارجی خود تلاش کرده تا از طریق طرح ارزش‌هایی همانند استقلال، آزادی، همبستگی میان مستضعفان و مبارزه با قدرت‌طلبی و امپریالیزم، افکار عمومی ملل محروم و مستضعف جهان را تحت تأثیر خود قرار داده و عمدتاً از

طریق صدور انقلاب، تبلیغات و سرمشق قرار گرفتن برای ملل محروم، این ارزش‌ها را به هنجار تبدیل سازد. (ستوده، ۱۳۸۰، ص ۱۷۶)

### فصل سوم: مستندات قانونی و ابعاد حمایتی

با عنایت به فصول گذشته، باید بیان کرد که از قواعد تخطی ناپذیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که از باورهای دینی و عقیدتی نشأت گرفته و اصول بنیادین حقوق بشری و مقتضیات فطری مؤیدانی بر آن هستند و به صراحت در اصول قانون اساسی ذکر شده است لزوم حمایت از مستضعفان جهان اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان می‌باشد. علاوه بر این با تدقیق در سایر قوانین، مقررات و آئین‌نامه‌ها بدین نکته رهنمون می‌شویم که خط مشی نظام جمهوری اسلامی در عملی سازی این ایدئولوژی در ابعاد حمایتی مختلف از جمله سیاسی، نظامی، فرهنگی، تبلیغاتی، اقتصادی و آموزشی می‌باشد و در قالب مقررات لازم الاجراء برای ارگانهای جمهوری اسلامی تعیین شده است. از باب نمونه به مواردی از این مقررات اشاره می‌کنیم:

۱- قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۳۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی - بخش سیاست خارجی - ماده ۲۱۰ - بند ۴ - «پیگیری حمایت از حقوق مسلمانان و مستضعفان جهان به ویژه ملت مظلوم فلسطین در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی» یکی از خط مشی های سیاست خارجی این برنامه پنج ساله است.

۲- قانون سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۲۱ و قانون سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مصوب ۱۳۸۵/۰۹/۰۵ و قانون سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب



۱۳۸۲/۰۹/۱۱- بخش امور سیاسی، دفاعی و امنیتی در ماده ۳۹- به لزوم «حمایت از مسلمانان و ملت های مظلوم و مستضعف به ویژه ملت فلسطین» اشاره می کند.

۳- قانون وظایف وزارت امور خارجه مصوب ۱۳۶۴/۰۱/۲۰ در ماده ۴ ° چنین بیان می نماید: «وزارت امور خارجه باید موجبات حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفان بالاخص مسلمانان علیه مستکبران را در هر نقطه جهان بدون دخالت در امور ملتهای دیگر بر اساس اهداف و سیاستهای خارجی کشور با هماهنگی با سایر دستگاههای ذیربط فراهم آورد».

۴- قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۲۱ در فصل سوم و در بخش آموزش و ترفیعات در ماده ۴۹ درباره دوره آموزش علوم استراتژیک بیان می دارد که: این دوره برای آموزش مطالعه و تحقیق در زمینه سیاست کلی نظامی- سیاسی و خط مشی کشور در امور دفاعی به مدت یک سال خواهد بود و.... «همچنین ... فرماندهان و مدیران رده بالای نیروهای مسلح ملل مسلمان و مستضعف غیر معارض با اسلام با معرفی فرماندهی کل سپاه و تصویب فرماندهی کل می توانند این دوره را طی نمایند».

۵- قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۰۷/۰۷ یکی از هدف های نظامی جمهوری اسلامی ایران در ماده ۵ را این گونه بر می شمرد: «یاری به ملل مسلمان یا مستضعف غیر معارض با اسلام در جهت دفاع از سرزمین های مورد تهدید یا اشغال نیروهای متجاوز در صورت درخواست ملل مزبور». همچنین در ماده ۷ ° یکی از مأموریت ها و وظایف ارتش را این گونه بیان می دارد: «آمادگی جهت همکاری با سپاه پاسداران در کمک به ملل مسلمان و مستضعف غیر معارض با جهان اسلام، در دفاع از خود در برابر تهدید و تجاوز نظامی بنا به درخواست آنان و بنا به دستور».

۶- آیین نامه اعطای نشان های دولتی مصوب ۱۳۶۹/۰۸/۲۷ در ماده ۵ یکی از

جهات اعطای نشان «جمهوری اسلامی» به رؤسا و دیگر مسئولان کشورهای خارجی عالی‌ترین مقام اجرایی سازمان بین‌المللی و یا شخصیت‌های برجسته فرهنگی، سیاسی، بین‌المللی را دفاع از حقوق مستضعفان جهان می‌داند.

۷- قانون تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲/۱۰/۱۹ در ماده ۱ از فصل اول، یکی از اصلی‌ترین اهداف تأسیس این دانشگاه‌ها را «تربیت متخصصان متعهد به منظور بی‌نیازی علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی و کشورهای مستضعف از جوامع مستکبر و سلطه‌جو و عالمان غیر مسلمان و غیر متعهد» معرفی می‌کند. همچنین است در مورد اساسنامه (جامعه‌العلوم الاسلامیه) دانشگاه علوم اسلامی قم (مصوب ۷۳/۲/۱۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی) که از اهداف تأسیس به «تربیت دانشمندان و محققان متعهد به اسلام برای رفع نیاز ملل مستضعف جهان به هدایت و ارشاد» اشاره می‌نماید.

۸- قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۱/۴/۱۷ مصوب مجلس شورای اسلامی در فصل برنامه‌های سیاسی به «سعی در جهت ارائه بینش سیاسی مکتبی به مردم، شناساندن اوضاع سیاسی بین‌المللی و موقعیت استکبار جهانی و ملل مستضعف» اشاره نموده و در ماده ۵۶ به تلاش سازمان به منظور نشر دعوت رهایی بخش اسلام و زمینه‌سازی برای آزادی همه مستضعفان جهان از سلطه مستکبران با معرفی اسلام به مثابه تنها مکتب اصیل انقلابی و رهایی بخش در جهت ایجاد وحدت فرهنگی و صدور انقلاب اسلامی به مسلمانان و مردم «جهان» تأکید دارد.

۹- در اساسنامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۰۴/۱۰ و نیز قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۲ به گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف بخصوص مسلمانان و مستضعفان جهان به‌عنوان هدف اصلی سازمان تصریح شده است.

۱۰- قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین مصوب ۱۳۶۹/۰۲/۱۹ در ماده ۱ (اصلاحی ۱۳۸۴/۰۳/۲۹) - بیان می‌دارد که: سرزمین فلسطین به ملت فلسطین تعلق داشته و دارد و رژیم اشغالگر قدس و حکومت غاصب صهیونیست‌ها که با ظلم و غصب و قتل‌عام و جنایت بر این سرزمین و بیت‌المقدس مسلط گردیده‌اند غاصب و ظالم و محکوم‌اند و بر همه ملت‌ها و انسان‌های حق طلب جهان خصوصاً مسلمانان و بالخصوص مردم و حکومت جمهوری اسلامی ایران لازم است از مردم ستم‌دیده و آواره و مبارز فلسطین تا رسیدن به حقوق حقه خویش به هر نحو ممکن حمایت و دفاع نمایند.<sup>۱</sup>

## نتیجه گیری

پس از بررسی ابعاد مختلف موضوع بدین نتیجه رهنمون می‌شویم که با عنایت به اصل یک صد و پنجاه و چهارم قانون اساسی که ریشه در مبانی عقیدتی و دینی نظام جمهوری اسلامی دارد، حمایت از مستضعفین جهان یک تکلیف دینی محسوب می‌شود و علاوه بر آن ضرورت‌های حقوق بشری باوجود نقص در رویه بین‌المللی و فقدان حمایت‌های کافی در این موضوع،

۱- در باب حمایت‌های مالی می‌توان به این موارد اشاره نمود: هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۵/۲/۳۱ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۹۸۸/۳۰۵ مورخ ۶۵/۲/۳۱ وزارت ارشاد اسلامی و در اجرای قانون نحوه هزینه‌کردن اعتباراتی که به موجب قانون از رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنا هستند و به استناد بند ۱۶ تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۱۳۶۵ که به تأیید وزارتین امور اقتصادی و دارائی و برنامه‌وبودجه رسیده تصویب نمودند: اعتبار منظور در ردیف ۵۰۳۰۸۸ «اعتبار بابت گسترش فرهنگ اسلامی و حمایت از مستضعفان سایر کشورها» قسمت چهارم قانون مزبور براساس مفاد این آئین‌نامه توسط وزارت‌خانه‌های ارشاد اسلامی امور خارجه و جهادسازندگی به مصرف برسد. مبلغ سیصد میلیون (۳۰۰۰۰۰۰۰) ریال از اعتبار ردیف مذکور جهت انجام امور فرهنگی و کمک به مستضعفان در خارج از کشور بالاخص دو پروژه لبنان و لندن به‌وسیله وزارت ارشاد اسلامی قابل مصرف می‌باشد. تأمین اعتبار و اختصاص مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال به‌منظور گسترش فرهنگ اسلامی و حمایت از مستضعفان به وزارت ارشاد اسلامی مصوب ۱۳۶۴/۰۵/۲۳ هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۶۴/۵/۲۳ بنا به درخواست شماره ۱۱/۲۰۰۰/۴۱/۱۲۴۶ مورخ ۱۳۶۴/۴/۲ وزارت ارشاد اسلامی و پیشنهاد شماره ۱-۳۲۱۲/۶۲/۱۱۷۷ مورخ ۶۴/۵/۷ وزارت برنامه‌وبودجه، به استناد بند ۷ تبصره ۷ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور تصویب نمودند که اعتباری به مبلغ دو بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال از محل اعتبار بند ۷ تبصره مذکور (ردیف ۵۰۳۰۰۱ هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده) قسمت چهارم قانون مزبور تأمین و به‌منظور گسترش فرهنگ اسلامی و حمایت از مستضعفان جهان در اختیار وزارت ارشاد اسلامی قرار گیرد تا طبق مقررات مربوط به مصرف برسد؛ و ماده ۳ - بنیاد شهید انقلاب اسلامی و بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی با اذن ولی امر مسلمین و هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران موظف‌اند از خانواده‌های شهید، جانبازان، اسراء و مفقودین سرزمین‌های اشغالی و سایر شهدائی که از بقیه نقاط جهان در راه آزادی فلسطین به شهادت می‌رسند در حد توان حمایت معنوی و مادی نمایند.

ضرورت های عقلی و نیز از ابعاد سیاسی منافع ملی و منطقه‌ای هم بر آن تأکید دارد. رویکرد تئوریک و عملیاتی جمهوری اسلامی در حمایت از این ایدئولوژی با وضع قوانین و مقررات الزام‌آور و نیز اقدامات عملی در موضع سیاست خارجی در حمایت از مظلومین و مستضعفین فلسطین، لبنان، سودان، سوریه، چین، کشمیر، تاتارستان و ... تبیین‌کننده مدلی نو از حمایت در جامعه جهانی می‌باشد که بر اصول بنیادین حقوق بشری و مبانی دینی بنا شده است و فارغ از مناسبات سیاسی انجام می‌گیرد.



## منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- اکبری، سید محمد (۱۳۷۸)، «*اصل عدم مداخله*»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱.
- ۴- احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ ق)، *عوالی الالکی*، قم: انتشارات سید الشهداء، ج ۱.
- ۵- ابن حنبل، احمد بن محمد (۴۱۲ ق)، *مسند*، بیروت: دارالاحیاء، ج ۳.
- ۶- جوان آراسته، حسین (۱۳۷۹)، «*امت و ملت، نگاهی دوباره*»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۶.
- ۷- حسینی، سید ابراهیم معرفت (۱۳۸۰)، «*بررسی تطبیقی: حمایت از حقوق بشر در اسلام و حقوق بین الملل معاصر*»، مجله معرفت، شماره ۴۲.
- ۸- حسینی، سید ابراهیم (۱۳۸۲)، «*صهیونیسم، انتفاضه فلسطین و دولت های اسلامی*»، مجله معرفت، شماره ۷۲.
- ۹- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۷ ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مکتبه الاسلامیه، چاپ سوم، ج ۱۸.
- ۱۰- ستوده، محمد (۱۳۸۰)، «*سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ساختار نظام بین الملل*»، مجله علوم سیاسی، شماره ۱۶.
- ۱۱- سریع القلم، محمود (۱۳۷۶)، *عقل و توسعه یافتگی*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۲- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۸۲)، «*روابط بین الملل در اسلام*»، مجله معرفت، شماره ۷۰.

- ۱۳- شمس‌الدین، محمد مهدی (۱۹۹۷م)، *جهاد الامة*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۱۴- محمصانی، صبحی (۱۳۹۲ ق)، *القانون و العلاقات الدولية فی الاسلام*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۱۵- عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۲ق)، *فتح الباری*، بیروت: دار احیاء التراث، ج ۱۲.
- ۱۶- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۶۸)، *فقه سیاسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ج ۳.
- ۱۷- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۹)، «*اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*»، مجله سیاست خارجی، سال ۸، ش ۱ و ۲.
- ۱۸- *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
- ۱۹- کرمی، جهانگیر (۱۳۷۵)، *شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشردوستانه*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲۰- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، *کافی*، تهران: اسلامیه، ج ۲.
- ۲۱- مسائلی، محمود (۱۳۷۱)، «*سلسل جدید حقوق بشر*»، مجله سیاست خارجی، شماره ۱.
- ۲۲- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، *جهاد*، قم: انتشارات صدرا.
- ۲۳- میرزایی ینگجه، سعید (۱۳۷۳)، *تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۲۴- نیکزاد، عباس (۱۳۸۳)، «*اصول سیاست خارجی در قانون اساسی*»، مجله رواق اندیشه، شماره ۳۱.
- ۲۵- الزحیلی، وهبة (۱۹۹۲ م)، *آثار الحرب فی الفقه الاسلامی*، دمشق: دارالفکر، الطبعة الرابعة.
- ۲۶- هونتزینگر، ژاک (۱۳۶۸)، *درآمدی بر روابط بین‌الملل*، ترجمه عباس گواهی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۲۷- هیکل، محمد حسنین (۱۴۱۷ ق)، *الجهاد و القتال فی السیاسة الشرعیة*، بیروت: دارالبیارق، الطبعة الثانية، ج ۱.
- ۲۸- (۱۳۶۱) *نهج الفصاحة*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان.
- ۲۹- (۱۳۶۴) *مشروح مذاکرات قانون اساسی*، تهران: اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ج ۳.
- ۳۰- سایت. [www.noormags.com](http://www.noormags.com)

2. Arinson, Nancy(1993), "International law and Non ° Intervention", Review of fletcher from of World Affirs.
3. Rebecca M.M Wallace & Sweet & Moxwell (1997), International law, London.
4. Robert.L. & Bledsoe (1987), The International Law Dictionary, Oxford.
5. Shaw, Malcolm.N. (2003), International Law, United Kingdom: Cambridge University, 5 th ed.
6. Shute, Steven Lukes Stephen & Huley, Susan, Five Fables About Human Rights.
7. Walzer, Michael & Ishay, Michenlin. R. (1997), Just War and Human Right, New York: Routledy.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی